

1-Review

Context

کار مهمی برام پیش اومده.

Something important has come up to me.

ایرادی داره دو روز مرخصی بگیرم؟

Would you mind if I get 2 days off?

کار خاصی ندارم، برام فرقی نمی کنه دو روز یا بیشتر مرخصی بگیرم.

I haven't got any special things to do; it makes no difference whether you take 2 days off or more?

دست خودته.

It's up to you.

هر جور میلته.

As you wish

بد جوری توی بدهی و قرض هستم. عیبی داره اگر یک مساعده بگیرم؟

I am in the red awfully, do you mind if I get an advance of my salary?

اگه می خوام بمونم اینجا، می مونم.

If you want me to stay here, I am staying.

متأسفانه، چیزی برای شام نپختم امشب، ایراد داره غذای مونده رو بکشم؟

Unfortunately, I haven't cooked anything for dinner tonight, do you mind if I serve left overs?

فرق نمی کنه غذای باقیمانده رو بکشی یا از بیرون سفارش بدی؟ اونقدرام گرسنه ام نیست

I am not **that** hungry; it makes no difference whether you serve left overs or **order out?**

یعنی می خوام بگی دست خودمه؟

You mean to say it's up to me?

برام فرقی نمی‌کنه اینجا بمونی یا برگردی خونه؟

It makes no difference whether you stay here or come back home?

تکالیفم رو بذارم کنار، از خستگی رو پام بند نیستم. عیبی داره اگه

Do you mind if I put my homework away? I am worn out.

بمن مربوط نیست شام خوردی یا نخوردی.

It's none of my business whether you have eaten dinner or not.

اشکالی نداره این جا پیاده ات کنم؟

Do you mind if I drop you off here?

هرجایی می‌خواهی پیاده ام کنی خوبه، پیاده ام کن.

Wherever you would like to drop me off, **is** fine with me, go ahead.

چرا اینقدر اصرار داری اینجا پیاده ام کنی؟

Why have got strong feeling about my getting off here?

شیرتوی شیریه قبل از چهارراه، ایرادی داره ازت بخوام اینجا پیاده ام کنی؟

Dogs eat dog before the crossing, do you mind if I ask you drop me off here?

برام فرقی نمی‌کنه اینجا پیاده ام کنی یا بعد از چهارراه.

It makes no difference whether you drop me off here or after the crossing.

به خودت مربوطه.

It's up to you.

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم. شروع کنیم.

Shall we start? Let's start. Have you got any questions? I haven't got any questions. Let's start.

Vocabulary

رها کردن

Put away

مرخصی گرفتن

Get day off

هر جور میلته

As you wish

Context

از دست صاحب خونه ام دلخورم.

I am annoyed with my landlord.

از دست همکارم دلخورم.

I am annoyed with my colleague.

از دست دوستم دلخورم.

I am annoyed with my friend.

از دست من دلخوری؟

Are you annoyed with me?

از دست کی دلخوری؟

Who are you annoyed with?

از دست همسایم دلخورم.

I am annoyed with my neighbor.

همسایت از دستت دلخوره؟

Is your neighbor annoyed with you?

همسایه ات از دست کی دلخوره؟

Who is your neighbor annoyed with?

از دست رییسم دلخورم. چیکار کنم؟

I am annoyed with my boss. What shall I do?

مادرت از دستت دلخوره؟

Is your mother annoyed with you?

چرا مادرت از دستت دلخوره؟

Why is your mother annoyed with you?

چرا از دستم دلخوری؟ من که اشتباهی نکردم.

مشابه با annoyed قالب
angry, worried
to be + adj

Why are you annoyed with me? I haven't done **anything wrong**.

از دست همسایه بغلیم دلخورم.

I am annoyed with my next-door neighbor.

همسایت از دستت دلخوره؟

Is your neighbor annoyed with you?

از دستت دلخورم.

I am annoyed with you.

از دستش دلخورم.

I am annoyed with him.

از دستش عصبانی هستم.

I am angry with him.

از دست همسایه ام خون جلو چشمامه.

I am furious with my neighbor.

از دست صاحبخونه مردم دلگیرم.

I am annoyed with my land lord.

از دست صاحبخونه زنم دلخورم.

I am annoyed with my land lady.

مراحل ناراحت بودن از کسی
annoyed دلخور
angry عصبانی
furious خون جلوی چشم گرفته

همش یادش می ره چیزها رو تعمیر کنه.

He is always forgetting to mend things.

از دست پسر دلخورم.

I am annoyed with my son.

چرا از دستش دلخوری؟

Why are you annoyed with him?

همش یادش می ره بهم سلام کنه.

He is always forgetting **to tell me Hi**.

گرامر همش به کاری رو کردن
always + present continuous
مناسب برای شکایت کردن از یک سوم شخص

تعمیر کردن fix, repair
درست کردن (منظور درست کردن تعمیری)
mend

از دست من دلخوری؟

Are you annoyed with me?

از دست مادرم دلخورم.

I am annoyed with my mother.

همش یادش می ره بیدارم کنه.

She is always forgetting to wake me up.

اوضاعم خیلی بی ریخته. 10 پوند تا هفته دیگه بهم قرض می دی؟

I am in the red. Are you **lending** me 10 pounds until next week?

دیگه بهت پولی نمی دم.

دیگه anymore

یعنی این دنباله مثلا تا جمله سومش اومده
ولی دیگه قرار نیست ادامه پیدا کنه

I am not paying you any money **any more**.

همش فراموش می کنی که پولم رو برگردونی.

دادن پول pay

برگرداندن پول pay back

You are always forgetting to **pay back** my money.

از دست همکارم شاکی هستم.

I am annoyed with my colleague.

همش یادش می ره نامه ها رو از طرف هیئت ریسه امضا کنه.

He is always forgetting to sign the letters on behalf of the chairman.

از دستم دلخوری؟

Are you annoyed with me?

از دست منشییم دلخورم.

I am annoyed with my secretary.

برای چی از دستش دلخوری؟ تازه استخدام شده.

Why are you annoyed with her? She has just been employed.

همش توی اداره اشتباه می کنه.

She is always making a mistake in the office.

از دست پسر همسایم دلخورم.

I am annoyed with my neighbor's son.

برای چی از دستش دلخوری؟

Why are you annoyed with him?

همش توی خیابون بهم متلک می گه.

He is always **taunting** me in the street.

همش بهم دروغ می گی.

You are always telling me a lie.

رو به عنوان فعل استفاده نکن
lie
به جاش اینو بگو
tell lie

از دست کی دلخوری؟

Who are you annoyed with?

از دست مادر زنم دلخورم.

I am annoyed with my mother in-law.

همش جلوی دیگران بهم فحش می ده.

She is always **cursing** me in **crowded**.

= in front the others
یعنی در مقابل/قسمت جلوی افراد

از دست ریسم دلخورم.

I am annoyed with my boss.

همش جلسات رو به تعویق می ندازه.

He is always postponing the meetings.

چرا از دست مادرمن دلخوری؟ اون که کاری نکرده.

Why are annoyed with my mother? She hasn't done anything wrong.

همش با طعنه باهام حرف می زنه.

She is always **double speaking** to me.

از دست همکارم دلخورم.

I am annoyed with my colleague.

چرا از دستش دلخوری؟

Why are you annoyed with him?

همش هر چی رو ماست مالی می کنه.

He is always **sweeping** everything **under the carpet**.

ماست مالی کرده.

He has done **white wash**.

چرا داری ماست مالی می کنی؟

Why are you doing a whitewash?

از دست کی دلخوری؟

Who are you annoyed with?

از دست برادرت دلخورم.

I am annoyed with your brother.

چرا از دست برادرم دلخوری؟

Why are you annoyed with my brother?

همش برام قیافه می گیره.

He is always **making a face for** me.

از دست پدرت دلخورم، ازش یمقدار پول می خوام.

I annoyed with your father; I **demand** him some money.

همش سر کارم می ذاره.

He is always **having me on**.

همش سر کارم می ذاری.

You are always having me on.

از دست همسایه ام دلخورم.

I am annoyed with my neighbor.

از دست شریکم دلخورم.

I am annoyed with my partner.

همش من رو دو دره می کنه.

He is always **double crossing** me.

double speak دو پهلو صحبت کردن
double cross دو دره کردن

از دست دوست پسر دلمخورم.

I am annoyed with my boyfriend.

همش من رو قال می ذاره.

He is always **taking me in the lurch.**

همش من رو سر قرارم می کاره.

He is always **standing me up at my date**

کدینگ: کسی رو سر دیت، استند آپ میکنی (یعنی
اون همینجوری وایمیسته ولی تو نمیای)
Mahmood is always standing
me up at my date.

همش بهم گیر می ده.

He is always **picking on me.**

خیلی سریش و کنه هست.

He is very **importunate.**

از دست کی دلخوری؟

Who are you annoyed with?

از دست زنت دلمخورم.

I am annoyed with your wife.

همش رو مخ من هست

He is always **getting on my nerves.**

دیگه چیزی بهت نمی گم. دهنه لقه.

I am not telling you anything **anymore.** **Your lips are shaky.**

دهنم قرصه.

My lips are sealed.

برعکس دهنه لقه.

On the contrary, your lips are shaky.

همش بند رو آب می دی.

You are always **letting the cat out of the bag.**

از دست کی دلخوری؟

Who are you annoyed with?

از دست خواهر شوهرم دلخورم

I am annoyed with my sister-in-law.

همش بلوا به پا می کنه.

این دو اصطلاح توشون گریه داشتن

She is always setting the cat among the pigeons.

از دست کی دلخوری؟

Who are you annoyed with?

از دست رییسم دلخورم.

I am annoyed with my boss.

همش حقوقم رو دیر می ده.

He is always paying my salary late.

از دست صاحب خونه مردت دلخور ی؟

Are you annoyed with your land lord?

همش یادش می ره چیزها رو درست کنه.

He is always forgetting to mend things.

باهاش صحبت کردی؟

Have you spoken with him?

دیشب باهاش صحبت کردی؟

Did you speak with him last night?

باهاش صحبت نکردم.

I haven't spoken with him.

اصلاً باهاش صحبت نکردم.

I have never spoken with him.

چندبار تاحالا باهاش صحبت کردی؟

How many times have you spoken with him so far?

تاحالا باهاش صحبت کردی؟

Have you ever spoken with him?

چرا باهاش صحبت نمی کنی؟

Why don't you speak with him?

Vocabulary

دلخور بودن

Annoyed

عصبانی

Angry

خشمگین

Furious

درست کردن (درست کردن یه وسیله خراب)

Mend

تعمیر کردن

Fix/repair

متلک گفتن

Taunt

نفرین/ دشنام/ فحش دادن

Curse

جلو دیگران

In crowd

با طعنه صحبت کردن

Double speak to

سفید کاری/ ماست مالی کردن (از نظر آموزشی)

/ fɪ . rɪ . s /

Do white wash

ماست مالی کردن (از نظر کاری)

Sweep something under the carpet

قیافه گرفتن

Make a face

سر کار گذاشتن

Have somebody on

دو دره کردن

Double cross

قال گذاشتن کسی

Take somebody in the lurch

مارس کردن

Lurch

کسی را جایی کاشتن

Stand someone up at place

گیر دادن به کسی

Pick on somebody

سریش / کنه

Importunate

چسب

Stick

رو مخ کسی بودن

Get on someone nerves

همش برام قیافه می گیره.

He is always making a face for me.

دهنم قرصه.

My lips are sealed.

برعکس دهنه لقه.

On the contrary, your lips are shaky.

همش بلوا به پا می کنه.

She is always setting the cat among the pigeons.

همش بند رو آب می دی.

You are always letting the cat out of the bag.

خیلی سریش و کنه هست.

He is very importunate.

همش بهم گیر می ده.

He is always picking on me.

همش سر کارم می ذاری.

You are always having me on.

Conversation text

A: I am very annoyed with my land lord.

B: Why?

A: He is always forgetting to mend things.

B: Have you spoken with him about it?

A: No, I haven't

B: I don't understand if it bothers you so much, why don't you mention it to him?

A: I suppose I should. I don't like complaining.

3-Why don't you mention it to him

Context

باهاش در موردش صحبت کردی؟

Have you spoken with him about it?

چرا دیشب در موردش باهاش صحبت نکردی؟

Why didn't you speak with him about it last night?

باهاش صحبت نکردم اما می خوام **توی اولین فرصت** انجامش بدم.

I haven't spoken with him but I am gonna do it **at the first chance**.

من نمی فهمم اگه این مسأله اینقدر اذیتت می کنه چرا بهش تذکر نمی دی؟

I don't understand if it **bothers** you so much, why don't you **mention** it to him?

من نمی فهمم اگه این مسأله اینقدر اذیتت می کنه چرا باهاش مشورت نمی کنی؟

I don't understand if it bothers you so much, why don't you consult with him?

من نمی فهمم اگه این مسأله اینقدر اذیتت می کنه چرا توی جلسه مطرحش نمی کنی؟

I don't understand if it bothers you so much, why don't you bring it up at the meeting?

من نمی فهمم اگه این مسأله اینقدر اذیتت می کنه چرا وکیل نمی گیری؟

I don't understand if it bothers you so much, why don't you hire a lawyer?

گمان می کنم بهتر انجامش بدم.

I **suppose** I should do it.

فکر کردن think
گمان کردن suppose

گله کردن رو دوست ندارم.

I don't like **complaining**.

از انتقاد کردن خوشم نمی آد.

I don't like **criticizing**.

نق زدن رو دوست ندارم.

I don't like nagging.

از دست منشییم دلخورم، می خوام اخراجش کنم.

I am annoyed with my secretary, I am gonna fire her.

برای چی از دستش دلخوری؟

Why are you annoyed with her?

همش توی کارم دخالت می کنه.

She is always interfering my job.

در موردش باهاش صحبت کردی؟

Have you spoken with her about it?

باهاش صحبت نکردم اما گمان می کنم بهتره انجامش بدم، می خوام توی خفا باهاش صحبت کنم.

I haven't spoken with her but I suppose I should do it, I am gonna speak with her in hide.

من نمی فهمم اگه این مسأله اینقدر اذیتت می کنه چرا اخراجش نمی کنی؟

I don't understand if it bothers you so much, why don't you fire her?

گمان می کنم بهتره انجامش بدم اما تازه استخدام شده، دلم براش می سوزه.

I suppose I should do it but she has just been employed, my heart goes out to her.

دلم براش سوخت.

My heart went out to her.

دلم نمی آد.

I can't find it in my heart.

دلت می آد اخراجش کنی؟

Can you find it in your heart?

دلم نمی آد اخراجش کنم.

I can't find it in my heart to fire her.

روم نمی شه بهش زنگ بزنم.

I haven't got a cheek to call her.

روت می شه بهش زنگ بزنی؟

Have you got a cheek to call her?

Vocabulary

اذیت کردن

Bother

دخاله کردن

Interfering

خفا

Hide

انتقاد

Criticism

گونه

Cheek

گمان کردن

Suppose

دلم نمی آد.

I can't find it in my heart.

دلم می سوزه براش.

My heart goes out to her.

توو اولین فرصت

At first chance

Proverb

نرود میخ آهنین در سنگ.

It likes water off on the ducks back to him.